

گزارش تفصیلی

راهکار احیای حرم مطهر بقیع

اردیبهشت ۱۴۰۰

گروه مطالعات بقیع



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قاصداً إِلَى حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّباً إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلاً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ

(فرازی از زیارتنامه ائمه بقیع)

گزارش تفصیلی راهکار احیای حرم مطهر بقیع اردیبهشت ۱۴۰۰

■ تهیه شده توسط گروه مطالعات بقیع انجمن میراث اسلامی

مدیریت اتاق‌های فکر: سیدمحمدحسین مرتضوی، امیرمهدی مناقبی
مدیر اتاق فکر اجتماعی: محمدجواد قدوسی
دبیر اتاق فکر اجتماعی و تدوین گزارش: علیرضا رحمانی
ویراستاری: موسسه ویراستاران، مهدی صالحی
صفحه‌آرایی: علی‌اکبر محمدخانی
باتشکر از (به ترتیب الفبا):
لادن احمدیان هروی، پیمان اسحاقی، محسن حمیدزاده، هاشم سمتی
حمیدرضا فرحزادی، بتول فیروزان، محمدرضا کلاتتری، سیدرضا لواسانی
سوده منصوری، سید مرتضی هاشمی

 www.baqigroup.ir

 contact@baqigroup.ir

 [baqi.s.g](https://www.instagram.com/baqi.s.g)

این سند با مشارکت و همفکری متخصصانی از ۱۹ رشته علوم انسانی
تهیه شده است.

عکس روی جلد تصویر سردر ورودی حرم مطهر ائمه بقیع علیهم‌السلام می‌باشد.
استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع، بلامانع است.

گروه مطالعات بقیع 



انجمن میراث اسلامی
مطالعات و احیای میراث اسلامی

فهرست

- ۵. خلاصه سیاستی.....
- ۷. عرصه اجتماعی.....
- ۹. تبیین حوزه های مختلف مرتبط با مسئله حرم بقیع.....
- ۹. حافظه تاریخی و هویت جمعی.....
- ۹. تاریخی بودن مسئله حرم بقیع.....
- ۱۰. تصویر ذهنی.....
- ۱۲. کنشگران.....
- ۱۲. دسته بندی مخاطبین.....
- ۱۲. مخاطبان منطقه ای.....
- ۱۳. مخاطبان دینی و مذهبی.....
- ۱۳. نخبه و عمومی.....
- ۱۵. تنش زایی در اقدامات.....
- ۱۷. رویکرد حل مسئله.....
- ۱۷. حوزه های فعالیت.....
- ۱۷. حرکت های اجتماعی.....
- ۱۷. فعالیت های رسانه ای.....
- ۱۸. استفاده از ظرفیت نخبگان اثرگذار.....
- ۱۸. فعالیت در عرصه فرهنگ عمومی.....
- ۲۰. تقویت جریان پژوهشی و علمی در خصوص حرم بقیع.....
- ۲۱. توجه به ظرفیت اقدامات حقوقی در عرصه جهانی.....
- ۲۱. مخاطرات و نبایدها.....
- ۲۱. تنش زایی در اقدامات و لزوم پرهیز از آن.....
- ۲۱. اجتناب از فرقه گرایی.....
- ۲۲. عدم ترویج تصویر موجود از حرم بقیع.....
- ۲۲. غیر ممکن جلوه دادن احیای بقیع.....
- ۲۲. درگیر ساختن شیعیان عربستان.....
- ۲۳. جمع بندی.....



۱ خلاصه سیاستی

راهکارهای رفع فراموش‌شدگی بقیع است. اینکه بقیع در جایگاه یک زیارتگاه و یکی از عناصر هویتی مسلمین به حساب آید، تضمینی است برای صیانت و حفظ این مکان از تهدیدها و آسیب‌ها و همین‌طور مدخلی است برای شروع فعالیت‌هایی که به بهبود وضع فعلی این مکان در بلندمدت کمک می‌کند.

۳.۱.۱. تصویر ذهنی

بازگرداندن بقیع به منظومه هویتی و حافظه تاریخی جهان اسلام در گرو آن است که تصویر ذهنی درخوری از این مکان در ذهن کنشگران مختلف این عرصه شکل بگیرد. از این‌رو توجه به مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدام‌هایی که در راستای ساختن و بازساختن تصویر حرم بقیع هستند، از راهکارهای حل مسئله به حساب می‌آیند.

۲.۱. توجه به تنوع مخاطبان

در اتخاذ هرگونه سیاست و اقدام به هر کاری، در نظر گرفتن تفاوت‌های موجود در گروه‌های مخاطبان، بسیار حیاتی است. موفقیت هر اقدام در گرو سنجش صحیح میدان عمل و کنشگران آن عرصه است و طبیعتاً، اقدامات هر حوزه باید متناسب‌سازی شده با هر گروه از مخاطبان، طراحی و اجرا شود. عمده‌ترین گروه‌های مخاطب که در خصوص مسئله حرم بقیع و در زمینه اجتماعی باید به آن‌ها اشاره کرد، از این قرارند: دسته‌بندی براساس مذاهب اسلامی که شامل دو گروه اصلی شیعه و اهل سنت می‌شود، تقسیم‌بندی جغرافیایی که زیرمجموعه‌هایی همچون جهان عرب، ایران، حوزه شبه‌قاره و شرق آسیا را دارد. در نهایت، تقسیم‌بندی مخاطبان به دو گروه عمده نخبه و عموم که هر یک جنس خاصی از اقدامات را طلب می‌کنند.

۳.۱. ابزارها

در هر یک از محورهای مذکور باید از ابزارهای کارآمد و ممکن بهره برد. در این زمینه، استفاده از ظرفیت نخبگان اثرگذار، فعالیت‌های رسانه‌ای و هدایت حرکت‌های اجتماعی و مطالبات موجود در این عرصه، از ابزارهای بسیار مهم محسوب می‌شود.

در خصوص مسئله حرم مطهر بقیع، باید به این واقعیت توجه کرد که این مسئله ابعاد گوناگونی دارد و حل آن در گرو نگاهی جامع است که تمامی زمینه‌های دخیل در شکل‌دهی به آن را در ربط با یکدیگر لحاظ کند. علاوه بر این برای حل مسائل هریک از حیطه‌های کلی که در پیدایش این مسئله دخیل بوده‌اند، به دیدگاهی تخصصی و علمی نیاز است تا از طریق فعالیت‌های پژوهشی و مشارکت خبرگان هر حوزه، این دغدغه مرتفع شود. زمینه فرهنگی و اجتماعی، در جایگاه دو بستر بسیار مهم تعریف و حل مسئله در موضوع بقیع، به توجه خاص و ویژه نیازمند خواهد بود. رئوس مطالب این بخش به این شرح است.

۱.۱. فراموش‌شدگی

یافتن عامل اساسی ایجاد هر مسئله، در فرایند حل آن اهمیت بسیاری دارد. این سخن، به معنای تک‌عاملی بودن مسائل نیست؛ بلکه بر لزوم توجه بر اثرگذارترین عامل تأکید می‌کند. آنچه در این مجال و در خصوص مسئله حرم بقیع در بُعد اجتماعی به عنوان نقطه کانونی و محوری شناسایی شده، «فراموش‌شدگی» است. از این‌رو راه حل مسئله حرم بقیع در گرو مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اقدام‌هایی خواهد بود که با هدف رفع این معضل صورت پذیرند. در واقع، اولویت بخش اجتماعی، تمرکز بر مقابله با فراموش‌شدگی خواهد بود. این مهم را در چند محور می‌توان تبیین کرد:

۱.۱.۱. حافظه تاریخی

مجموعه اقداماتی که بقیع را به عنوان یک حرم در حافظه تاریخی مسلمانان و شیعیان بازسازی کند، باید در اولویت باشد. پاک‌شدن بقیع به عنوان یک حرم از منظومه حافظه تاریخی جهان اسلام، علتی است که این مکان را در مقابل تهدیدها آسیب‌پذیر کرده و امکان بهبود وضع آن را نیز سلب می‌کند. در این راستا، پرداختن به فعالیت‌هایی در قالب تاریخ شفاهی و نشر داده‌های تاریخی در خصوص بقیع، راهکارهای پیشنهادی برای این حوزه به حساب می‌آید.

۲.۱.۱. هویت جمعی

بازگرداندن بقیع به منظومه هویتی مسلمانان و شیعیان، از



۲ عرصه اجتماعی

در این میان، عرصه اجتماعی از این لحاظ اهمیت پیدا می‌کند که بستر تحقق احیای معنوی محسوب می‌شود و آنچه به‌عنوان مسئله در حیطه احیای معنوی به آن خواهیم پرداخت، در بستر اجتماعی شکل گرفته است. در اینجا لازم است مقوله احیای معنوی در خصوص بقیع روشن شود. مقصود از احیای معنوی، وضعی است که در آن، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها در ذهن گروه‌های مختلف درباره این مکان شکل گرفته باشد. طبیعی است که مؤلفه‌های مذکور در نسبت مستقل خود با هریک از این گروه‌های مخاطب تعریف می‌شود و حالت مطلوب از احیای معنوی، وابسته به گروه‌های مختلف، متفاوت خواهد بود. شناخته‌شدن این مکان به‌عنوان حرم برای شیعیان، میراث ملموس برای جهان اسلام و میراث تاریخی و بشری برای جامعه جهانی، به‌همراه ملزومات این شناخت، که حفظ و صیانت از آن باشد، جایگاه مطلوب در احیای معنوی است. نبود این مؤلفه‌ها در خصوص بقیع در ذهن گروه‌های گوناگون، حالتی را پدید می‌آورد که در تعارض با احیای معنوی است. در فقدان مؤلفه‌های مذکور، پدیده‌ای رخ می‌دهد که باید آن را در قالب مفهوم فراموش‌شدگی مطرح کرد.

محور مسئله حرم بقیع در عرصه اجتماعی که توجه خاص می‌طلبد، فراموش‌شدگی این مسئله در میان ذی‌نفعان و افراد مرتبط با آن است. فراموش‌شدگی در مسئله حرم بقیع را باید از ابعاد مختلفی بررسی کرد. در عرصه اجتماعی باید توجه شود که در وهله اول، چه نقاط و عواملی به فراموش‌شدگی این مسئله منجر شده است. در گام بعدی، باید به نقاط کلیدی و گونه‌های فعالیت‌هایی توجه شود که به‌نحوی این فراموش‌شدگی را از میان برمی‌دارد. توجه به این نکته لازم و ضروری است که ظهور این فراموش‌شدگی نه‌تنها بر اثر یک عامل، بلکه در اثر به‌هم‌پیوستن چند عامل متفاوت به وجود آمده است؛ لذا لازم است که در هر دو مرحله تبیین مسئله و ارائه راهکار، مجموعه این عوامل در کنار و در ربط با یکدیگر سنجیده و بررسی شوند.

به‌کاربردن اصطلاح «عرصه اجتماعی» ذهن را به مفاهیم و پدیده‌های بسیار متنوعی رهنمون می‌سازد که این خود، از گستردگی و وسعت دامنه مفهومی عرصه اجتماعی نشان دارد. مفاهیمی همچون جامعه و فرهنگ، با توجه به تعاریف متنوع و گسترده‌شان، پهنه وسیعی از پدیده‌ها را در برمی‌گیرند که توجه به هریک زمینه‌ساز پیدایش حوزه مطالعاتی مستقلی خواهد بود. هنگامی که به مسئله حرم بقیع، همچون مسئله‌ای چندوجهی توجه شود، ابعاد اجتماعی و فرهنگی نقشی اساسی در تعریف و حل این مسئله خواهند یافت.

آنچه باعث می‌شود توجه به عرصه اجتماعی درباره مسئله حرم بقیع حائز اهمیت باشد، ویژگی‌های این عرصه در حل مسئله حرم بقیع است. نقش زیرساختی عرصه اجتماعی در قبال دیگر فعالیت‌ها و همین‌طور بلندمدت‌بودن تأثیرات ایجادشده در این عرصه، از جمله عواملی است که باعث می‌شود پرداختن به این عرصه اولویت بیشتری داشته باشد. مقصود از نقش زیرساختی در این مسئله، لزوم بهره‌مندی دیگر فعالیت‌های متصور، از پشته‌های اجتماعی و فرهنگی است. مسئله‌ای مانند بقیع تا زمانی که جایگاه پذیرفته‌شده خود را در منظومه مسائل کنشگران فرهنگی و اجتماعی نیابد، تغییر درخور ملاحظه‌ای در آن به دست نخواهد آمد.

جایگاه مطلوب در حل مسئله حرم بقیع، احیای حرم در هر دو ساحت کالبدی و معنوی است. در ارتباط این دو ساحت از احیا، باید به دو نکته اساسی توجه کرد: اول اینکه دستیابی به احیای کالبدی با داشتن ویژگی‌هایی همچون پایداری و امنیت در بلندمدت و... بدون محقق‌شدن احیای معنوی ممکن نیست. از این‌رو احیای معنوی در رابطه با احیای کالبدی، نقشی زیربنایی دارد و به‌منزله مقدمه و زیرساخت احیای کالبدی است. دوم اینکه اهمیت احیای معنوی، به‌خودی‌خود و جدا از احیای کالبدی است. این جدایی بدین معناست که احیای معنوی علاوه‌بر داشتن جایگاه مقدمه برای احیای کالبدی، مهم است؛ چراکه احیای معنوی می‌تواند جدا و مستقل از احیای کالبدی به دست آید.



تبیین حوزه‌های مختلف مرتبط با مسئله حرم بقیع

واقعیتی فرافردی تبدیل می‌شود.

در مسئله حرم بقیع، بُعد حافظه تاریخی را از این زاویه باید بررسی کرد: درمقایسه با دیگر حرم‌های موجود در جهان تشیع و مجموعه مکان‌های مقدس دنیای اسلام و از دیدگاه کلی مجموعه میراث بشری، بقیع در حافظه تاریخی و هویت جمعی گروه‌های مختلف چه جایگاهی دارد؟ هویت جمعی مجموعه‌ای از شاخصه‌هاست که هر گروه انسانی براساس آن به سؤال «کیستی یا که بودن» پاسخ می‌دهد. سؤال مهم در این حیطة و درخصوص مسئله حرم بقیع این است که گروه‌های مختلف، از شیعیان گرفته تا جامعه جهانی، در پاسخ به سؤالات هویتی خود، چه جایگاهی برای بقیع قائل هستند. برای مثال، شیعیان بخشی از کیستی خود را از مقوله‌ای مانند زیارت امام حسین (علیه السلام) اخذ می‌کنند. حتی با لحاظ کردن جایگاه ویژه مفهومی مثل محرم و عاشورا، آیا چنین جایگاهی درخصوص ائمه مدفون در بقیع و زیارت ایشان در منظومه هویتی شیعه وجود دارد؟ پاسخ به این سؤال، جایگاه مسئله حرم بقیع را در میان گروه‌های مختلف تعیین می‌کند.

۲.۳. تاریخی بودن مسئله حرم بقیع

تبدیل شدن هر موضوع به مسئله‌ای تاریخی باعث می‌شود تا ویژگی‌ها و مختصات جدیدی بر آن مسئله بار شود. گذر زمان و پیوستن وقایع به تاریخ، صورت جدیدی به آن‌ها می‌بخشد. اساساً زمانی که هر مسئله به مسئله‌ای تاریخی تبدیل می‌شود، حالتی از بی‌تغییری و ثبات در آن پدید می‌آید که حل آن و ایجاد هرگونه تغییر در آن را بسیار صعب و مشکل می‌سازد. باتوجه به مدت‌زمانی که از آغاز مسئله حرم بقیع و تخریب‌های آن می‌گذرد، مسئله به‌نوعی، به مسئله‌ای تاریخی تبدیل شده است. از زمان وقوع تخریب‌های این مکان، یک قرن می‌گذرد و دیگر برای کنشگران امروزین مرتبط با این مسئله، رویدادی تاریخی به شمار می‌آید. کنشگران فعلی، تجربه مستقیمی در رابطه با آن رویداد ندارند و حتی نسل‌هایی هم که به‌صورت مستقیم و هم‌عصر با وقوع این مسئله زیسته‌اند، در حال حاضر در میان

با در نظر گرفتن مقوله فراموش‌شدگی در مسئله حرم بقیع، به‌عنوان محوری‌ترین مقوله در این مسئله، باید ریشه‌های این مشکل را در عرصه اجتماعی بررسی کنیم. سؤال اصلی در اینجا بر این نکته متمرکز می‌شود که چه مجموعه‌عواملی، در کنار هم، به فراموش‌شدگی مسئله حرم بقیع در اذهان مخاطبان آن منجر شده است. در اینجا کوشش می‌شود تا به تفکیک، حوزه‌های مختلف منجر به این وضع بررسی شوند. محورهای کلی که در موضوع فراموش‌شدگی باید به آن‌ها توجه شود، از این قرار است: حافظه تاریخی و هویت جمعی، بُعد تاریخی مسئله و درنهایت، تصویر ذهنی موجود از بقیع در ذهن گروه‌های مختلف. در هریک از این محورها، پس از تبیین کلیت آن‌ها، چگونگی فراموش‌شدگی موضوع بقیع در این بسترها باید بررسی شود.

۱.۳. حافظه تاریخی و هویت جمعی

در بعد حافظه تاریخی، ابتدا باید با نگاهی اجمالی به این مفهوم، مشخص شود: حافظه تاریخی به چه چیزی اطلاق می‌شود؟ سپس، پاسخ به این سؤال مشخص شود: بقیع در منظومه حافظه تاریخی جامعه شیعه و جهان اسلام چه سیری را پیموده است و وضع کنونی آن در این عرصه چه ویژگی‌هایی دارد؟

حافظه تاریخی برخلاف حافظه فردی، به ساخت و زمینه اجتماعی متکی است. مجموعه جریان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و... در شکل‌گیری حافظه جمعی نقشی اساسی ایفا می‌کنند. از دیگر محورهای تفاوت حافظه تاریخی و حافظه فردی مدت‌زمانی است که شکل‌گیری هریک می‌طلبند. حافظه جمعی در طولانی‌مدت و گاه به‌صورت بین‌نسلی تداوم می‌یابد. سازوکارهای به‌خاطر سپردن و فراموشی در حافظه تاریخی نیز به فرد وابسته نیست، بلکه ساختار اجتماعی و زمینه‌های مذکور، فراموشی یا به‌خاطر سپاری یا یادآوری موضوعی را در حافظه تاریخی رقم می‌زنند. از این جهت، مفاهیم در ذهن تک‌تک افراد ثبت می‌شود یا افراد آن‌ها را به فراموشی می‌سپارند؛ اما این نوع از حافظه، مستقل از افراد وجود پیدا می‌کند و به

اقدام‌ها و فعالیت‌ها متصور است و برای شکستن الگوهای تاریخی شکل‌گرفته پیرامون این مسئله، چه اقداماتی باید انجام داد؟

۳.۳. تصویر ذهنی

به سبب گستردگی مقوله تصویر، این موضوع در علوم مختلف بررسی می‌شود. صرف‌نظر از تنوع همه تعاریف موجود در خصوص تصویر، آنچه در جایگاه یکی از محورهای بسیار مهم این مفهوم توجه‌برانگیز شده، جنبه ذهنی و انتزاعی آن است که به تمایزش از واقعیت اشاره می‌کند. تصویر به مجموعه انگاره‌ها و صورت‌های ذهنی‌ای اطلاق می‌شود که فرد یا گروه در ارتباط با حقیقتی بیرونی متصور می‌شوند. مجموعه این انگاره‌ها طی فرایندهایی ساخته می‌شود که در ربط با زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مختلفی می‌توان آن‌ها را تعریف کرد. آنچه در خصوص مسئله حرم بقیع باید از بُعد تصویر ذهنی مدنظر قرار داد، فقدان مفهومی است که ذیل عنوان حرم در ذهن بسیاری از جامعه‌ها و گروه‌ها شکل گرفته است. شاید بتوان ادعا کرد اساسی‌ترین مقوله‌ای که در خصوص تصویر این مکان مقدس محل سؤال و اشکال است، مقوله «حرم‌بودگی» این مکان در ذهن گروه وسیعی از کنشگران است. واژه حرم^۱ شاید به خودی خود تعریف محدود و مشخصی داشته باشد؛ اما آنچه در مباحث تصویر ذهنی به آن توجه می‌شود، فرای واژه‌ها و متکی بر فهم واحدهای انسانی از معنای نهفته در پشت هر واژه است. در اینجا باید گفت آنچه به عنوان تصویر حرم در ذهن گروه‌های مختلف کنشگران نقش بسته، از مجموعه مؤلفه‌هایی تشکیل شده که طی فرایندی طولانی‌مدت و در بسترهای گوناگون شکل گرفته است.

در اینجا لازم است به تنوع گروه‌های کنشگر در مسئله حرم بقیع اشاره کوتاهی بشود؛ هرچند این موضوع، جداگانه و به تفصیل در بخش معرفی کنشگران نیز مطرح خواهد شد. شکی نیست که کنشگران مسئله حرم بقیع، تجربه زیست در زمینه‌های فرهنگی مختلف دارند. همین تنوع موجب می‌شود مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی آنان از مفهومی مثل حرم، متفاوت باشد. طبیعی است که تجربه‌های زیسته هر گروه از مواجهه با حرم، باعث می‌شود گونه خاصی از تصویر حرم در ذهن آنان نهادینه شود.

۱. واژه حرم در زبان‌های مختلف معانی متفاوتی دارد که باید بدان‌ها توجه شود. همچنین معنای ذهنی حرم در میان شیعیان، با معنای این واژه در میان دیگر فرق اسلامی، تفاوت‌هایی دارد.

مجموعه کنشگران نیستند. نداشتن درک مستقیم از مسئله باعث می‌شود تلقی گروه‌های مختلف، تفاوت زیادی با دیگر موضوعات و مسائل جاری برای آنان داشته باشد. به‌طور کلی، آنچه تاریخی فرض می‌شود، خود را به‌نوعی، خارج از دسترس و تغییرناپذیر می‌نمایاند و علاوه بر این به دلیل تعلق به گذشته، از منظومه مسائل حال حاضر حذف می‌شود. به تاریخی بودن مسئله حرم بقیع می‌توان از بُعد دیگری نیز توجه کرد. خاصیت امور تاریخی، بسط‌یافتگی در زمان است و این بسط‌یافتگی باعث می‌شود تا هر ساختار به‌نحوی به نظر برسد که گویی از ابتدا چنین بوده و تا هست چنین خواهد بود. تداوم هر وضعیت در محور زمان، به‌نوعی به آن مشروعیت می‌بخشد و باعث می‌شود پذیرش آن افزایش یافته و امکان هرگونه اقدام و فعالیت با هدف تغییر آن کاهش یابد. در این موقعیت، شناسایی و روشن‌ساختن روندهای تاریخی منجر به شکل‌گیری وضع کنونی، به حل مسئله کمک می‌کند. روشن‌ساختن نقاط مختلف هر فرایند در بستر تاریخ کمک می‌کند تا آن تصور ازلی و همیشگی از موضوع، قوت خود را از دست بدهد. اینکه بقیع از ابتدا چه بوده، چه ویژگی‌هایی داشته و به چه دلایلی و با چه کیفیتی، به آنچه امروز می‌بینیم تبدیل شده است، این فرایند تاریخی را روشن می‌سازد.

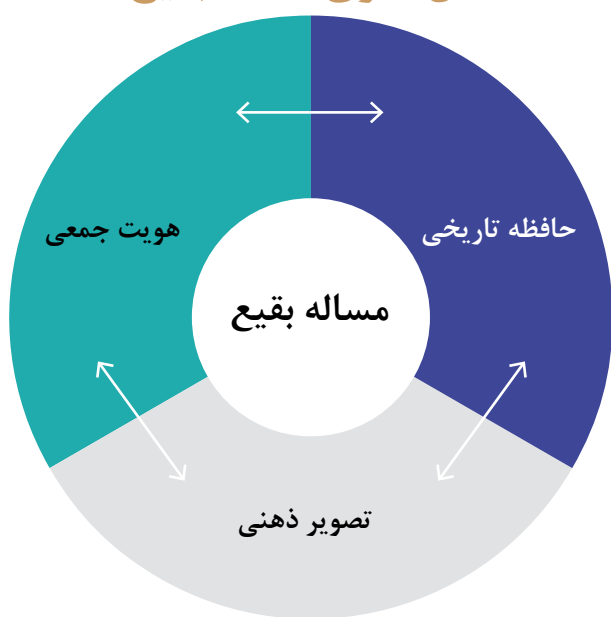
لازمه تغییر و حل هر مسئله تاریخی، شناختن کم‌و کیف‌های تاریخی آن مسئله است. در بستر مسئله حرم بقیع، آنچه در جایگاه تاریخ بیان می‌شود، ثمره درهم‌آمیختن مسائلی است که خود در عرصه‌های گوناگونی همچون سیاست، دین، فرهنگ و... شکل گرفته‌اند. به‌طور مثال، تلاش‌های نهادهایی مانند مجلس شورای ملی و پیگیری‌های بعضی افراد اثرگذار و شخصیت‌های دینی و سیاسی همچون حاج آقا حسین قمی و سیدحسن مدرس در خصوص احیای حرم بقیع، در دوره پهلوی اول، بخشی از هویت تاریخی مسئله حرم بقیع است که اکثراً از آن‌ها غفلت شده است.

سؤالات مهمی که در این بخش باید به آن‌ها توجه کرد، بر این محورها متمرکز است: در مقیاس مذکور، گذر زمان چه تأثیراتی بر شکل‌گیری و نوع نگاه به مسئله حرم بقیع داشته است؟ ابعاد تاریخی مسئله حرم بقیع کدام است و هریک در حل کردن یا حل نکردن مسئله چه نقشی بازی می‌کنند؟ اگر قرار باشد در اوضاع فعلی بقیع هرگونه تغییری ایجاد شود، باتوجه به این ابعاد تاریخی، چه گونه‌هایی از

هر موضوع، یکی از ویژگی‌هایی است که تصویر غالب در ذهن کنشگران مختلف ایجاد می‌کند. آنچه امروزه با عنوان تصویر عادی‌سازی‌شده از بقیع نمایش داده می‌شود، نه حرم یا یک مکان میراثی، بلکه یک قبرستان است. گویا از اساس، اطلاق لفظ حرم در خصوص این مکان اشتباه بوده است؛ چراکه تصویر تثبیت‌شده اکثر قریب به اتفاق کنشگران و ذی‌نفعان مسئله حرم بقیع، از این مکان به قبرستان بدل شده است.

دو سؤال اساسی در این بخش چنین است: در ابتدا چه عواملی و در چه ارتباطی با هم به شکل‌گیری این گونه تصویر از بقیع منجر شده‌اند؟ آیا می‌توان ربط مجموعه این عوامل را در الگویی نظام‌مند مشاهده کرد؟ در پی این سؤال‌ها باید پرسید: اگر نقطه مطلوب در خصوص تصویر بقیع، حرم‌بودگی این مکان باشد، در وهله اول، مؤلفه‌های اساسی تشکیل‌دهنده این تصویر چه هستند و در گام بعد، چگونه می‌توان تصویر فعلی این مکان را در خلال یک فرایند، با تصویر مطلوب جایگزین کرد تا پشتوانه ذهنی کافی به‌منظور صیانت و احیای این مکان در کنشگران ایجاد شود؟ تلاش برای پاسخ‌دهی به این سؤال‌ها، مسیر حل مسئله حرم بقیع را شفاف‌تر از قبل می‌سازد و باعث می‌شود تا گام‌های حل مسئله در خصوص بقیع با نگاهی جامع‌تر و تخصصی‌تر برداشته شوند.

مدل نظری مساله بقیع



تجربه ایرانیان در زیارت مشهد مقدس، تجربه زیارت عتبات و تجربه منحصربه‌فرد ارتباط با شبیه‌ها و امام‌باره‌ها در شبه‌قاره هریک به‌نحوی، ساخت این تصویر را متفاوت می‌کند. حال اگر قرار باشد به‌صورت متمرکز بر مسئله حرم بقیع نگاهی انداخته شود، باید ادعا کرد که درباره این مکان، تصویری مشابه با هیچ‌یک از حرم‌های موجود در منظومه ذهنی شیعیان و به‌طور کلی، در منظومه ذهنی مسلمانان وجود ندارد. به‌بیان‌دیگر این مکان به‌دلیل بهره‌مندنبودن از مؤلفه‌هایی که در ساخت تصویر حرم نقش ایفا می‌کنند، نمی‌تواند خود را در جایگاه حرمی همچون دیگر حرم‌ها در منظومه تصاویر ذهنی کنشگران این حیطة متجلی سازد. یکی از نشانه‌های بسیار بارز این ادعا، نحوه نام‌گذاری این مکان توسط گروه‌های مختلف است. تعبیر «قبرستان بقیع» برخلاف صورت عادی‌شده‌اش، از حقیقتی تأمل‌برانگیز و ذهن‌سوز درباره این مکان پرده برمی‌دارد. علاوه‌براین باید به این نکته توجه کرد که در این مکان، مزار بسیاری از چهره‌های مشهور جهان اسلام قرار دارد و تجمع این گستره از مزار بزرگان فرّق اسلامی در یک مکان، پدیده‌ای کم‌نظیر محسوب می‌شود؛ اما همچنان تصویری درخور جایگاه این مکان وجود ندارد. طبیعی است که حذف عناصر فیزیکی موجود که بر مفهوم حرم دلالت می‌کنند، عاملی مهم در تقویت این معضل است. درعین حال باید به وجهه معنوی چنین مکانی نیز توجه ویژه کرد. اگر نمونه دیگری همچون شهر زیارتی سامرا را در نظر بگیریم، متوجه خواهیم شد که قوت تصویر ذهنی این مکان به‌عنوان یک حرم به حدی بود که گروه‌های مختلف ذی‌نفع، تخریب آن را برناتفتند و برای صیانت و احیای آن به پا خاستند. همچنین جنبشی که در جهان تشیع با عنوان «مدافعان حرم» و در مقابله با تهدید تروریست‌های تکفیری شکل گرفت، نشان از این دارد که وجود تصویری مثل حرم از یک مکان تا چه اندازه کنشگران مختلف را در ارتباط با آن تهییج می‌کند و نقشی به‌شدت انگیزاننده در حرکت‌ها و فعالیت‌های ایشان دارد.

در همین حال، هنگام مواجهه با مکانی مانند بقیع، دیده می‌شود که صیانت و احیای این مکان، همچون دیگر مکان‌های مقدس که جنبه تصویر ذهنی پر قدرتی از لحاظ حرم‌بودگی دارند، مورد توجه نیست. به‌بیان‌دیگر و در قالب مباحث تصویر ذهنی، درباره بقیع، تصویری جدید بر تصویر سابق آن، در جایگاه یک حرم، تسلط یافته است. عادی‌سازی

۴.۳. کنشگران

هرگونه اقدام برای حل مسئله حرم بقیع، به پشتوانه و دیدگاهی دربرگیرنده و دقیق درباره کنشگران متصور در این عرصه نیازمند است. شناخت گروه‌های مختلف ذی‌نفع در این مسئله، از این‌رو حائز اهمیت است که به درک روابط موجود میان عرصه‌های مختلف حل مسئله و به‌تبع آن، شناخت نقاط اثرگذار در این عرصه منتهی می‌شود. باتوجه‌به مختصات عرصه اجتماعی، شناخت گروه‌های کنشگر در این عرصه، لازمه هرگونه اقدام متصور در راستای حل مسئله حرم بقیع است. اینکه هریک از این گروه‌ها به چه نحو به مسئله می‌نگرند و جایگاه این مسئله در میان هریک از ایشان چیست، یکی از نقاط بسیار مهمی است که به‌منظور حل مسئله حرم بقیع باید به آن توجه کرد.

درخصوص تبیین گروه‌های کنشگر یا مخاطبان مسئله حرم بقیع، ذکر این نکته ضروری است که تفکیک و دسته‌بندی‌های این بخش، بیش‌ازآنکه تفکیکی واقعی و منطبق بر واقعیت بیرونی باشد، تفکیکی نظری است. به این معنا که دسته‌بندی‌های ارائه‌شده ممکن است در بعضی نقاط همپوشانی‌هایی داشته باشند. لزوماً یک فرد یا گروهی از افراد در دسته‌ای کاملاً مجزا تعریف نمی‌شوند، بلکه ممکن است ذیل چند دسته متفاوت قرار گیرند. برای مثال، یک مخاطب ایرانی ممکن است در عین جای‌گیری در حیطه جغرافیایی ایران، به گروه نخبه یا عمومی متعلق باشد و در همین حال، در یکی از گروه‌های شیعه یا اهل سنت تعریف شود. فایده متصور برای این‌گونه دسته‌بندی‌ها، شفاف‌ترشدن عرصه کنش به‌منظور تبیین مسئله و ارائه راهکار است. لذا در بررسی گونه‌های مختلف کنشگران و مخاطبان باید این نکته را در نظر گرفت که این تقسیم‌بندی‌ها در ربط با یکدیگر و در نگاهی کلی معنا می‌یابند و بر حقیقت میدان منطبق می‌شوند.

۵.۳. دسته‌بندی مخاطبان

درخصوص مسئله حرم بقیع، باید به این موضوع توجه کرد که کنشگران مختلف این عرصه را می‌توان براساس شباهت‌های آنان در نحوه فهم و عملکرد در مواجهه با این مسئله، به گروه‌های مجزا تقسیم‌بندی کرد. فایده این دسته‌بندی آن است که توانایی درک هرچه بیشتر کنشگران این عرصه و به‌تبع شناسایی اثرگذارترین آن‌ها در حل

مسئله حرم بقیع را ممکن می‌کند. با این وصف می‌توان مجموعه توان حل مسئله را بر مؤثرترین گروه‌های کنشگر متمرکز کرد و از این طریق به بهینه‌ترین نحو ممکن در این مسیر گام نهاد.

به‌صورت کلی این سه معیار می‌توانند مبنای تفکیک گروه‌های کنشگر از یکدیگر قرار گیرند: منطقه‌ای، مذهبی، نخبه و عمومی. در ادامه به تفکیک به هریک از این دسته‌ها پرداخته و مختصات و جزئیات هریک ذکر می‌گردد.

۱.۵.۳. مخاطبان منطقه‌ای

یکی از تقسیم‌بندی‌های مرسوم در حیطه مخاطبان، تقسیم‌بندی براساس موقعیت منطقه‌ای مخاطب است. در هریک از حوزه‌های جغرافیایی، اقتضائات فرهنگی خاصی وجود دارد که شیوه‌های تولید پیام برای مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در زمینه مخاطب‌شناسی، به‌جهت تولید محتوای مناسب در راستای احیای حرم مطهر بقیع، باید ظرفیت‌های موجود در چهارچوب‌های منطقه‌ای مذکور نیز بررسی شود؛ چراکه مخاطب در هریک از این مناطق با زاویه دید متفاوتی به موضوع خواهد نگرست. در این تقسیم‌بندی می‌توان شاخص‌های مختلفی را در نظر گرفت. مرزهای سیاسی، منطقه‌های جغرافیایی، تقسیمات قاره‌ای و... می‌توانند مبنای این دسته‌بندی‌ها قرار گیرند. درخصوص طرح احیای حرم مطهر بقیع باید این تقسیم‌بندی را به گونه دیگری نیز بررسی کرد. این تقسیم‌بندی مخاطبان ایرانی، مخاطبان حوزه کشورهای عربی و درنهایت مخاطب بین‌المللی را در برمی‌گیرد. همان‌طور که پیداست، در این تقسیم‌بندی علاوه‌بر عوامل و مؤلفه‌های جغرافیایی، عامل زبان و فرهنگ نیز دخیل است.

تقسیم‌بندی منطقه‌ای را می‌توان با میزان دقت بیشتری نیز در نظر گرفت. برای مثال در حیطه کشورهای عربی، باید حوزه شمال آفریقا، کشورهای حاشیه خلیج و شبه‌جزیره عربستان، عراق و حوزه شام را از هم تفکیک کرد. مبنای این تقسیم‌بندی علاوه‌بر همجواری فیزیکی، همگنی و تشابه فرهنگ مخاطبان است. به‌طور مثال، در میان کشورهای عربی، مقوله زیارت در نگاه مخاطبان مصری و مخاطبان حوزه شبه‌جزیره عربستان، تفاوت‌های بسیاری دارد و پیش‌زمینه تاریخی و فرهنگی هریک از این دو منطقه نقش بسزایی در نحوه مواجهه مخاطبان این دو گروه با مسئله حرم بقیع خواهد داشت. وجود زیارتگاه‌هایی همچون رأس‌الحسین،

متفاوت است. توجه به اینکه در این مکان، قبور افرادی از دیگر ادیان ابراهیمی نیز وجود دارد؛ اما وجهه غالب این مکان به گونه‌ای است که دیگر ادیان علقه اعتقادی خاصی با آن نخواهند داشت. آنچه در مواجهه با این گروه باید بدان توجه کرد، جنبه انسانی و فرادینی (فرهنگی و میراثی) نهفته در مسئله حرم بقیع است. در جنبه انسانی و فرادینی این مسئله، باید بر مفاهیمی همچون میراث تاریخی و فرهنگی و مقوله‌ای همچون حقوق اقلیت‌ها (شیعیان عربستان) نیز تأکید شود.

این دو گونه تقسیم، در زمینه احیای حرم مطهر بقیع، راهگشایترین دسته‌بندی‌ها در تقسیم‌بندی مخاطبان به حساب می‌آیند. در کنار این دو گونه می‌توان مخاطبان را براساس شاخصه‌های دیگری همچون گروه سنی، طبقات اجتماعی، جنسیت، سطح تحصیلات و... نیز تقسیم‌بندی کرد. تقسیم‌بندی مخاطبان در قالب گروه‌های یادشده، از این رو حائز اهمیت است که به تولیدکننده محتوا اجازه می‌دهد با در نظر گرفتن زمینه‌های دریافت‌کنندگان پیام، بهترین پیام ممکن را برای هر دسته از مخاطبان، طراحی کند و اثرگذاری مطلوب پیام را افزایش دهد.

هر دسته از مخاطبان می‌توانند به گروه‌های کوچک‌تری نیز تقسیم شوند. بسته به ظرفیت گروه‌های یادشده، این تقسیم‌بندی می‌تواند سطوح گوناگونی را دربرگیرد. در تقسیم‌بندی جغرافیایی و فرهنگی، گروه مخاطبان ایرانی مصداقی از این دست هستند. از آنجاکه بیشتر تمرکز فعالیت‌های طرح احیای حرم مطهر بقیع، در گام نخست معطوف به مخاطبان ایرانی است، شناسایی این دسته از مخاطبان، به تمرکز و بررسی ویژه‌ای نیاز دارد. ویژگی‌های منحصربه‌فرد فرهنگی و اجتماعی مخاطبان ایرانی، نوع ارتباط خاص این گروه با مسئله حرم بقیع و همین‌طور گستره موضوعات و مسائلی که این جامعه با آن‌ها مواجه است، توجه و بررسی این دسته را با پیچیدگی‌های خاصی مواجه خواهد کرد. آ»

۳.۵.۳. نخبه و عمومی

در تقسیم‌بندی مخاطبان می‌توان رویکرد دیگری نیز در پیش گرفت. در این رویکرد، در طبقه‌بندی مخاطبان، به نوعی، دیگر دسته‌های پیشین نیز گنجانده می‌شود. در این تقسیم‌بندی، با دو گروه مخاطب نخبه^۲ و سطح عمومی

۲. منظور از مخاطب نخبه، مجموعه افرادی هستند که به دلیل برخورداری از جایگاه اجتماعی، علمی، دینی، هنری و... خاص و متمایز از دیگران هستند و رویکردی متفاوت در مواجهه با مسائل

زینبیه و مزار سیده‌نفیسه در کشور مصر و رابطه وثیق مردم این کشور با این عناصر در قالب فرهنگ زیارت، موجب می‌شود تا طرح مسئله حرم بقیع، به‌عنوان یک زیارتگاه تخریب‌شده، برای مخاطبان مصری معنادار و قابل‌پردازش باشد.

۲.۵.۳. مخاطبان دینی و مذهبی

باتوجه به ماهیت مسئله حرم بقیع که قطعاً بخشی از آن به ابعاد دینی و اعتقادی ذی‌نفعان معطوف است، می‌توان تقسیم‌بندی دیگری نیز در این خصوص به دست داد. این تقسیم‌بندی شامل دسته‌هایی از این قرار است: شیعیان (اعم از اثنی‌عشری، زیدیه، اسماعیلیه و...)، اهل سنت، سایر ادیان و فرقه‌ها. این تقسیم‌بندی، در رویکرد هر یک از این سه گروه در برابر مسئله حرم بقیع ریشه دارد. در رویکرد هر یک از این سه دسته می‌توان تفاوت نگاه به مسئله حرم بقیع را دید.

رویکرد گروه اول، یعنی شیعیان، در مواجهه با مسئله حرم بقیع، با جنبه‌های اعتقادی عمیق نسبت به اشخاص مدفون در این مکان و مقوله زیارت آمیخته شده است. این نگاه اعتقادی شیعیان، به نوعی با جنبه‌های احساسی و عاطفی آنان نیز گره خورده است و ناممکن می‌نماید که بدون در نظر گرفتن این بُعد احساسی و عاطفی بتوان در این حیطه و در قالب هر نوع فعالیت فرهنگی و اجتماعی، اقدامی کرد. باید به این مهم توجه کرد که رویکرد احساسی و عاطفی در گروه اول مخاطبان، گاه ممکن است بر دیگر جنبه‌های موجود غلبه کند و نشناختن دقیق این ابعاد، ممکن است به تولید محتوایی منجر شود که در نهایت به افزایش تنش و تشنج میان فرق مختلف اسلامی بینجامد و نتیجه آن دور شدن از احیای حرم بقیع باشد.

طبیعی است که دیدگاه گروه دوم، تفاوت‌های اساسی با گروه اول دارد. اشخاص سرشناسی از بزرگان جهان اسلام که مورد احترام اهل سنت هستند، در این مکان مدفون‌اند. در عین حال، بسیاری از جوامع اهل سنت، توجه و احترام به این افراد را کاملاً مقبول می‌دانند. باید به این نکته توجه کرد که نوع نگاه به مقوله زیارت و مسئله قبور در میان فرق مختلف اسلامی متفاوت است؛ لذا رویکردی که در تولید محتوا و هرگونه فعالیت در خصوص مسئله اتخاذ می‌شود، باید ناظر به این تفاوت باشد.

رویکرد گروه سوم نیز در برابر این مسئله با دو گروه پیشین

دیدگاهی عقلانی بررسی کنند. محتوای لازم در تولید پیام برای این گروه، باید داده‌های علمی و منطقی و موثق در بر داشته باشد. در این گروه، مهم، دریافت داده‌هایی است که صرفاً احساسات و عواطف را تحریک نکند؛ بلکه از جنبه عقلانی و علمی نیز اقناع‌کننده و بر ارزش‌های بین‌المللی مانند میراث فرهنگی، میراث تاریخی، حقوق بشر و... مبتنی باشد.

ب. رویکردهای متفاوت

تفاوت رویکردهای هر گروه از مخاطبان، در تفاوت نیازهای آنان ریشه دارد. بدیهی است که در گروه اول، نوع نگاه به مسئله و اساساً مسئله‌شناسی برپایه محرک‌هایی است که با گروه دوم متفاوت است. به بیان دیگر آنچه مسئله حرم بقیع را در دید هر یک از این گروه‌ها به مسئله تبدیل می‌کند، متفاوت است. اولین گام در مسیر اقدام برای حل هر مسئله، ادراک و شناخت خود مسئله است. با این اوصاف، تبیین اینکه وضعیت فعلی حرم مطهر بقیع برای گروه‌های مختلف ذی‌نفعان مسئله به حساب می‌آید، اولین گام در مسیر حل مسئله خواهد بود. آنچه وضعیت فعلی بقیع را در دید هر یک از این دو گروه به مسئله تبدیل خواهد کرد، بسته به رویکردی است که هر یک از آن‌ها در قبال این موضوع اتخاذ می‌کنند.

■ گروه اول، سطح عمومی جامعه: اساساً زمانی که از تبدیل موضوع به مسئله سخن می‌گوییم، باید فاصله وضع موجود را از وضع مطلوب در آن حیطه موضوعی خاص تبیین کنیم. در اینجا با توجه به رویکردی که هر یک از مخاطبان به موضوع دارند، باید وضع مطلوب را ترسیم کرده و بر فاصله وضع فعلی از آن حالت مطلوب تمرکز کنیم. در زمینه مسئله حرم بقیع، این وضع مطلوب باید متناسب با هر یک از گروه‌های مخاطب تعریف شود. تبیین وضع موجود و تعریف وضع مطلوب حرم مطهر بقیع باید بر رویکرد هر گروه مخاطب به این مکان ناظر باشد. در گروه اول یا گروه مخاطبان سطح عمومی، ترسیم این دو وضع مستلزم پرداختن به وجوهی است که جنبه‌های احساسی و عاطفی را شامل می‌شود.

جامعه مواجهیم. تفاوت این دو گروه در نحوه برخورد هر یک از آن‌ها با مسئله‌ای مانند حرم بقیع و رویکرد آن‌ها در مواجهه با این مسئله و میزان اثرگذاری آنان است. مخاطبان این دو دسته را می‌توان در قالب سایر دسته‌بندی‌های پیشین نیز تفکیک کرد تا به نوعی مکمل آن تقسیم‌بندی‌ها باشد و در هر دسته با دقت بیشتری مخاطبان را از یکدیگر تفکیک کند. به عنوان مثال، می‌توان در تقسیم‌بندی جغرافیایی و فرهنگی، تقسیم‌بندی مخاطب نخبه و عمومی را نیز در نظر گرفت و مخاطب ایرانی را به این دو دسته تقسیم کرد. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است: تفاوت این دو دسته از مخاطبان در چیست و ثمره تقسیم مخاطبان به این دو دسته چه خواهد بود؟ در اینجا میانی این تقسیم‌بندی و ثمرات آن در مرحله طراحی پیام و اقدام تبیین می‌شود.

الف. نیازهای متفاوت

دو گروه مخاطب نخبه و عمومی جامعه، از جنبه‌های مختلفی از هم متمایز می‌شوند. یکی از این جنبه‌ها، نیازهایی است که هر یک از این دو گروه در مواجهه با هر پیام یا اقدام به دنبال پاسخگویی به آن هستند. توجه به نیازهای مخاطب و تلاش برای پاسخگویی به آن‌ها از جمله اقداماتی است که باید در فرایند تولید پیام به آن توجه شود. در دسته مخاطبان عمومی، نیازهای مخاطب در ساحت‌های احساسی و عاطفی متمرکز است. مخاطب در این گروه به دنبال کسب داده‌های علمی و جزئیات تخصصی نیست، بلکه اجمالی از داده‌ها در قالبی داستان‌گونه، نیازهای دانشی او را برطرف خواهد کرد. در تولید محصول برای این گروه از مخاطبان باید به جنبه‌های احساسی و عاطفی موجود در مسئله حرم بقیع توجه بیشتری نشان داد.

در مقابل، گروه مخاطبان نخبه تعریف می‌شوند که نیازهای متفاوتی با دسته اول دارند. برخلاف گروه اول که بیشتر، به جنبه‌های احساسی و عاطفی هر مسئله توجه می‌کند، در گروه مخاطبان نخبه، افراد سعی می‌کنند مسائل را با

دارند. همین‌طور قدرت اثرگذاری و اثربخشی آنان بر دیگران نسبتاً بیشتر است و از طرق مختلف از سوی ایشان اعمال می‌شود.

بود. باتوجه به آنچه در خصوص مخاطبان سطح عمومی جامعه ذکر شد، احتمال مشاهده واکنش‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و برخاسته از احساسات، در این گروه بسیار زیاد است. این در صورتی است که در مرحله طراحی و تولید محتوای رسانه‌ای به ظرفیت‌های تنش‌زایی در قبال گروه‌های مخاطبان توجه کافی نشود.

تنش‌زایی یکی از خطوط قرمز در تمامی فعالیت‌های مرتبط با احیای حرم مطهر بقیع است. باتوجه به جنس مسئله حرم بقیع که در گروه‌های مختلفی از مخاطبان، با ابعاد اعتقادی و احساسی آنان رابطه تنگاتنگی دارد، ظرفیت بالقوه تنش‌زایی در اقدامات مربوط به این موضوع وجود دارد. در عین حال در خصوص برخی از گروه‌های مخاطب، مانند مخاطبان ایرانی، باتوجه به رابطه نامطلوب میان عربستان سعودی و ایران در سال‌های اخیر و تجربه‌های ناخوشایند زائران ایرانی در سفر حج، ظرفیت‌های تنش‌زایی در این گروه افزایش می‌یابد. باید توجه کرد که در عرصه احیای حرم مطهر بقیع، منتهی‌شدن هریک از اقدامات به تنش و نزاع منجر به شکست کامل آن اقدام و حتی سایر اقدامات در زمینه احیای این حرم می‌شود.

یکی از مصادیق بارز ایجاد تنش در این عرصه، بروز و ظهور اختلافات مذهبی و فرقه‌ای است. تبدیل شدن مسئله حرم بقیع به نقطه اختلاف میان مذاهب مختلف اسلامی، همراهی نکردن بسیاری از گروه‌های ذی‌نفع در مسیر احیای این مکان را به بار خواهد آورد. به‌طور کلی، باید از تبدیل شدن بقیع به موضوعی فرقه‌ای و تصاحب آن توسط یک گروه خاص جلوگیری کرد.

نقطه تفاوت دیگری که در سطح بازخورد این دو گروه مخاطب وجود دارد، سرعت واکنش به محصولات رسانه‌ای است. به‌طور معمول، سرعت اثرگذاری محصولات رسانه‌ای در گروه مخاطبان عمومی، بیشتر از گروه مخاطبان نخبه است. این اثرگذاری سریع‌تر سبب می‌شود پیامدهای حاصل از پیام، قابلیت مدیریت کمتری داشته باشند. اما سرعت اثرگذاری و واکنش‌های مخاطب سطح نخبگانی عموماً پایین بوده و در فرآیندی طولانی‌مدت و مستمر شکل می‌گیرد.

گروه دوم، مخاطب نخبه: باتوجه به نیازهای ذکرشده، این گروه با رویکردی متفاوت به مسئله حرم بقیع می‌نگرد. تبیین جایگاه بقیع در منظومه هویت فرهنگی جوامع انسانی، نقش بقیع در حافظه تاریخی جهان اسلام، اهمیت میراثی بقیع و... از موضوعاتی است که در نگاه این گروه از مخاطبان اهمیت دارد. رویکرد علمی و تخصصی این گروه به مسئله حرم بقیع باید مبنای ترسیم وضع موجود و مطلوب در قبال حرم مطهر بقیع قرار گیرد.

در خصوص تقسیم‌بندی مخاطبان به دو گروه عمومی و نخبه، ذکر این نکته ضروری است که در عین تفاوت در تولید پیام برای این دو گروه، باید مجموعه اقداماتی که با هدف این دو دسته از مخاطبان صورت می‌گیرد، در یک راستا باشد. این سخن بدین معناست که اقداماتی که با هدف قراردادن یکی از این دو گروه انجام می‌شود، نباید هیچ‌گونه تعارضی با دیگر فعالیت‌های انجام‌شده برای دیگر گروه‌های مخاطب داشته باشد. این نکته نه‌فقط در خصوص فعالیت‌های مرتبط با دو گروه عمومی و نخبه جاری و صادق است، بلکه در خصوص مجموعه فعالیت‌هایی که در زمینه حل مسئله حرم بقیع انجام می‌شود نیز باید هم‌راستایی و عدم تعارض در روح کلی فعالیت‌ها لحاظ شود.

ج. بازخوردهای متفاوت

جنبه دیگری که این دو گروه از مخاطبان را از هم متمایز می‌کند، جنس و نحوه بازخورددهی هریک در مواجهه با محتوای رسانه‌ای تولیدشده در عرصه احیای حرم مطهر بقیع است. همان‌طور که در قسمت‌های اولیه این بخش ذکر شد، هدف از انجام هر فعالیت رسانه‌ای ایجاد نوعی تغییر است که این تغییرات از طریق واکنش‌های پیدای و پنهان مخاطبان شکل می‌گیرد.

۶.۳. تنش‌زایی در اقدامات

یکی از نقاط حساس در تولید محتوای رسانه‌ای در موضوع احیای حرم مطهر بقیع، واکنش‌های خارج از برنامه و مهارناپذیر و تنش‌زا از سوی گروه‌های مختلف مخاطبان خواهد



۴ رویکرد حل مسئله

اصلی این مسئله است. همچنین برجسته‌شدن این مسئله در منظومه مسائل اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام و فاصله زمانی نسبتاً طولانی از وقوع این حادثه، از زمینه‌هایی است که به کم‌رنگ‌شدن این مسئله در ذهن ذی‌نفعان آن دامن زده است. این در حالی است که خارج از مرزهای جهان اسلام، با مسائلی از این سنخ مواجهیم که به مدد پشتیبانی صحیح جریان‌های اجتماعی توانسته‌اند جایگاه تثبیت‌شده و روند روبه‌جلو داشته باشند. مقوله‌ای مانند هولوکاست، که از قضا فاصله زمانی چندانی با تخریب حرم مطهر بقیع ندارد، با همه تفاوت‌های ماهوی‌اش، یکی از مثال‌های بسیار مهم این حوزه به شمار می‌رود. بدیهی است که جایگاه فعلی این مسئله در جامعه جهانی، ثمره فعالیت‌های چندبعدی و جامع‌نگر در حیطه‌های متنوع بوده است. پشتیبانی‌های مالی و اقتصادی، حمایت‌ها و لابی‌گری سیاسی، پوشش و فعالیت رسانه‌ای گسترده و فعالیت‌هایی از این دست توانسته‌اند جایگاهی باثبات و انکارناشدنی از این مسئله در سطح جهانی ایجاد کنند. در این میان با تمرکز بر فعالیت‌های گسترده در سطح جوامع و جریان‌سازی‌های اجتماعی توانسته‌اند جایگاهی ویژه به این مسئله ببخشند. به‌عنوان مثال در حال حاضر، بیش از دویست‌وپنجاه یادمان و موزه هولوکاست در سرتاسر دنیا وجود دارد. نکته‌ای که در این حیطه باید ذکر کرد، لزوم توجه به نقاط تشابه و تفاوت هر یک از این مسائل است. اینکه چه ظرفیت‌هایی از لحاظ محتوایی و روشی در این دو مسئله مشترک است، به ارائه راهکارهایی منجر می‌شود که به حل مسئله حرم بقیع کمک شایانی می‌کند.

۲.۱.۴. فعالیت‌های رسانه‌ای

رسانه، شاید به‌تنهایی در فضای فعالیت‌های اجتماعی، فقط یک ابزار یا بستر انتقال پیام محسوب شود؛ اما باتوجه‌به نقش کلیدی و مؤثر رسانه در جهان امروز، توجه ویژه به آن

باتوجه‌به آنچه در توصیف میدان مسئله حرم بقیع بیان شد، می‌توان رویکرد خاصی از اقدامات را درخصوص حل این مسئله در نظر گرفت. به‌طور کلی آنچه می‌توان درخصوص جهت‌گیری‌های راهبردی حل مسئله حرم بقیع در نظر گرفت، بدین شرح است:

۱.۴. حوزه‌های فعالیت

باتوجه‌به آنچه در توصیف میدان عمل و رویکرد حل مسئله درخصوص بقیع مطرح شد، حوزه‌هایی از فعالیت در راستای احیای معنوی و رفع فراموش‌شدگی بقیع متصور است. حوزه‌هایی که در این بخش به آن‌ها توجه شده است، امید است بیشترین اثرگذاری را در راستای حل این مسئله داشته باشند. عناوین اصلی این بخش شامل فعالیت‌های رسانه‌ای، حرکت‌های اجتماعی، استفاده از ظرفیت نخبگان اثرگذار و فعالیت در عرصه فرهنگ عمومی است.

۱.۱.۴. حرکت‌های اجتماعی

از زمان تخریب حرم مطهر ائمه بقیع (علیهم‌السلام) تا به امروز، فعالیت‌های گوناگونی در راستای احیای این میراث گران‌قدر اسلامی صورت گرفته است. این فعالیت‌های را در حوزه‌های مختلف و اشخاص گوناگون انجام داده‌اند که هر یک در حیطه‌ای خاص بوده است. اما تاکنون موفقیت چشمگیری از خلال این فعالیت‌ها به دست نیامده است. مهم‌ترین عاملی که به بی‌نتیجه‌ماندن این تلاش‌ها منجر شده، نبود پشتیبانی جریان‌های اجتماعی از فعالیت‌های یادشده است. در مقام پیش‌رانه‌های مؤثر، در سایر حیطه‌های فعالیت در راستای احیای حرم مطهر بقیع نیز چنین جریان‌هایی باید نقش کلیدی داشته باشد. آنچه تاکنون مانع فعالیت چنین جریان‌هایی بوده، ثمره نبود اتفاق نظر و وجود گسستگی‌های بسیار در جهان اسلام و جامعه تشیع، به‌عنوان ذی‌نفعان

با صرف توان اجرایی کمتر به تأثیرات گسترده‌تری دست یافت که در غیر این صورت نیازمند زمان و توان اجرایی بسیار است.

۴.۱.۴. فعالیت در عرصه فرهنگ عمومی

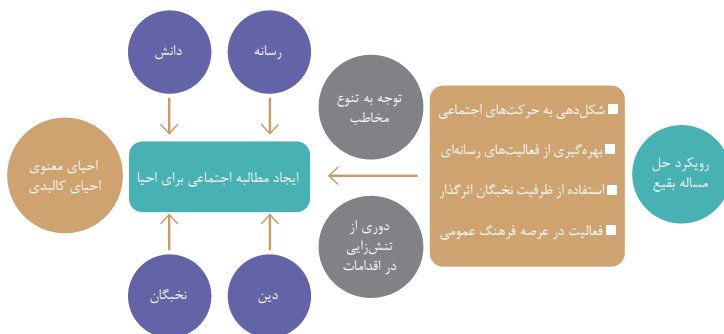
در عین اینکه حفظ رویکرد نخبگانی در فعالیت‌های مرتبط با حل مسئله حرم بقیع ضروری است، بی‌توجهی به عرصه عمومی و خلأ فعالیت در این بخش باعث می‌شود گروه عظیمی از مخاطبان نادیده گرفته شوند. در این صورت قسمتی از پشتوانه عمومی هرگونه اقدام در راستای احیای معنوی بقیع نادیده گرفته می‌شود. در این اوضاع، توجه به فعالیت‌هایی که در بستر فرهنگ عمومی جامعه رخ می‌دهند، یکی از راهبردهای حل مسئله به حساب می‌آید. نکته اینکه توجه به حوزه فرهنگ عمومی، منافاتی با رویکرد نخبه‌گرایی ندارد؛ بلکه باید تلاش کرد تا هرگونه اقدامی که در عرصه عمومی به وقوع می‌پیوندد، از چهارچوب‌های کلی حاکم بر فعالیت‌ها خارج نباشد.

در خصوص حل مسئله حرم بقیع، اهمیت جداگانه و خاص دارد. آنچه در حیطه فراموش‌شدگی در قالب تصویر ذهنی بررسی شد، تا حد بسیار زیادی به حوزه رسانه وابسته است. رسانه‌های مختلف در شکل‌دهی به تصویر ذهنی موجود از بقیع نقش بسزایی داشته‌اند و آنچه امروزه به‌عنوان تصویر ذهنی موجود از بقیع نزد گروه‌های مختلف مخاطب دیده می‌شود، به بازنمایی‌های رسانه‌ای صورت‌گرفته از این موضوع بسیار وابسته است. در رفع فراموش‌شدگی بقیع نزد گروه‌های مختلف مخاطب، بهره‌برداری از ظرفیت ابزار مهمی به نام رسانه، اساسی‌ترین اقدام در این زمینه است. توجه به گروه‌های مختلف مخاطبان که پیش‌ازاین به آن‌ها اشاره شد، در طراحی پیام‌های رسانه‌ای در راستای احیای معنوی حرم مطهر بقیع لازم و ضروری است. این امر بدین معناست که نحوه بازنمایی مسئله حرم بقیع برای هر یک از گروه‌های ذکرشده، باید با اقتضات آن گروه متناسب باشد و درعین حال، یکپارچگی و هم‌راستایی در تولید پیام نیز حفظ شود.

۳.۱.۴. استفاده از ظرفیت نخبگان اثرگذار

پیش‌ازاین اشاره شد که در مسئله حرم بقیع، گستره وسیعی از کنشگران دخیل هستند که هر یک به سهم خود، با بخشی از این مسئله مواجه‌اند. در رویکرد کلی حل مسئله حرم بقیع آنچه مدنظر است، تمرکز بر کنشگرانی است که درمقایسه با دیگر گروه‌های کنشگر نقشی محوری و تعیین‌کننده دارند و به‌بیان دیگر می‌توانند اثرگذاری عمیق‌تری در حل یا ایجاد هرگونه تغییر این مسئله داشته باشند. پرداختن به نخبگان، به‌عنوان گروهی اثرگذار بر جامعه، از راهبردهای پیشنهادی برای حل مسئله حرم بقیع محسوب می‌شود. باید به این نکته توجه کرد که استفاده از ظرفیت نخبگان، از لحاظ زمان و دامنه اثرگذاری بر سطح جامعه، کند و محدود به حساب می‌آید؛ اما از جهت دیگر، ورود به مسئله حرم بقیع با استفاده از ظرفیت نخبگانی ویژگی‌های دیگری دارد که در این راستا، پرداختن به آن را الزامی می‌سازد. به‌عنوان مثال و همان‌طور که پیش‌ازاین و در بخش تقسیم‌بندی کنشگران بیان شد، در صورت استفاده از ظرفیت نخبگانی، احتمال وقوع تنش کاهش می‌یابد و همین مدت‌زمان اثرگذاری طولانی‌تر باعث می‌شود تا از تأثیرات ناگهانی که بیشتر بر وجوه عاطفی و احساسی متکی‌اند جلوگیری شود. ازسوی دیگر، قدرتی که نخبگان در راهبری دیگر گروه‌ها دارند، مزیت راهبردی به حساب می‌آید. در صورت استفاده از این قدرت، می‌توان

مدل مفهومی حل مساله بقیع



سناریوهای احیای کالبدی

۱. بازسازی بنای تاریخی و تخریب‌شده حرم

به نظر می‌رسد بهترین راهکار برای بازسازی حرم مطهر بقیع، احیای همان بنای تاریخی تخریب‌شده باشد. احیای آن بنای قبلی این مزایا را دارد:
 احتمال بروز نزاع‌های فرقه‌ای و اختلاف‌نظر راجع به بنای آن حرم را کاهش می‌دهد؛ چراکه آن بنا تاریخی بوده و به مردم عربستان و جهان اسلام متعلق بوده است.
 ایجاد اتفاق نظر بر روی آن طرح بین کنشگران شیعه آسان‌تر خواهد بود.

یکی از راهکارهای دیگر برای خروج حرم مطهر بقیع از وضع ناگوار فعلی، توسعه مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) به حرم مطهر بقیع است. یعنی حرم بقیع داخل مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار بگیرد و تابعی از فضای آن باشد. باتوجه به نبود اعتماد به طراحان و سیاستگذاران عربستان سعودی، طرح احتمالی آن‌ها برای حرم مطهر بقیع ممکن است به مراتب از شرایط فعلی برای شیعیان ناگوارتر باشد و احتمال بروز مشکلات در این راهکار بسیار بالا خواهد بود.

برای احیای این حرم مطهر می‌بایست توجه کرد که بنای آن در کنار مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) بوده و طرح پیشنهادی، باید سنخیتی با آن فضا و فرهنگ معماری عربستان داشته باشد. پیشنهاد برخی طرح‌های شیعی، مشابه بقیه حرم‌های اهل بیت (علیهم السلام) فارغ از ممکن نبودن، باعث می‌شود ذی‌نفعان از اجماع بر طرح واحد دور شوند.

باتوجه به جنبه تاریخی آن و دخالت‌نداشتن شیعیان در طراحی بنا، حفظ آن در بلندمدت ممکن خواهد بود. احیای بنای تاریخی بهتر می‌تواند نهادها و کنشگران بین‌المللی و غیراسلامی را با این طرح همراه سازد.

۲. بهبود مختصر اوضاع فعلی حرم

بهبود اوضاع فعلی حرم، به‌عنوان هدفی کوتاه‌مدت، بسیار مطلوب است و برای ادای احترام زائران به چهار امام همام، زمینه را اندکی مناسب‌تر می‌کند؛ انجام اقداماتی مانند ساخت سایه‌بان، نشاندار کردن بقاع و قبور، کاهش مزاحمت‌ها و... این اقدامات برای کوتاه‌مدت مفید بوده و در پی آن، باید فعالیت‌ها برای احیای کالبدی ادامه یابد.

۳. توسعه مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) به حرم مطهر بقیع

سناریوهای احیای کالبدی

| رویکرد | غیر تنش‌زا | امکان ایجاد اتفاق نظر بین ذی‌نفعان | امنیت در بلندمدت | همراه‌سازی نهادهای بین‌المللی | قابل‌دسترس در کوتاه‌مدت |
|--|------------|------------------------------------|------------------|-------------------------------|-------------------------|
| بازسازی بنای تاریخی | * | * | * | * | |
| بهبود مختصر اوضاع فعلی حرم | * | * | * | | * |
| توسعه مسجدالنبی (صلی الله علیه و آله و سلم) به حرم مطهر بقیع | | | * | | * |

جدول اقدامات اجرایی اجتماعی

| عنوان | اقدام |
|-------------------------------|--|
| هم‌افزایی | ایجاد ستادهای هماهنگی فعالان عرصه احیای حرم مطهر بقیع |
| بانک اسناد و مدارک فرهنگی | گردآوری و طبقه‌بندی محصولات و مدارک و اسناد فرهنگی |
| انتشار ایده‌ها | انتشار ایده‌ها در بستر شبکه‌های اجتماعی با هدف ارتقای فعالیت‌های اجتماعی |
| ایجاد بستر فعالیت‌های اجتماعی | نگارش کتب تاریخی و اجتماعی برای مخاطبان عمومی شیعه |
| | راه‌اندازی وبگاه چندزبانه معرفی ائمه بقیع (علیهم السلام) |
| | راه‌اندازی وبگاه چندزبانه برای معرفی میراث تاریخی و فرهنگی بقیع |

جدول اقدامات اجرایی اجتماعی

| عنوان | اقدام |
|-----------------------------|--|
| نسل آینده | برگزاری رویدادهای فرهنگی برای مخاطبان کودک و نوجوان |
| | یادکرد از بقیع در کتب آموزشی |
| | تولید محصولات مکتوب و تصویری برای مخاطب کودک و نوجوان |
| | ایجاد بسته‌های آگاهی‌افزایی متناسب با ایام ولادت و شهادت ائمه بقیع (علیهم السلام) |
| نشست‌های هم‌اندیشی | برگزاری هم‌اندیشی فعالان اجتماعی و مذهبی درباره بررسی راهکارهای احیای حرم مطهر بقیع |
| تولید محصولات فرهنگی | تدوین تاریخ شفاهی حرم و زیارت بقیع |
| | جمع‌آوری و تدوین اندیشه و رویکرد شخصیت‌های علمی، دینی، سیاسی و... درباره حرم مطهر بقیع |
| | تقویت جریان ادبیات و شعر با محوریت حرم مطهر بقیع |
| | تأسیس موزه حرم مطهر بقیع |
| تولید محصولات هنری | اعلام فراخوان و برگزاری نمایشگاه آثار هنرهای تجسمی و گرافیکی |
| | اعلام فراخوان داستان، ماهنگ، اینفوگرافی، شعار و... |
| | تولید یادبودهای نفیس از حرم مطهر بقیع |
| | حضور نماد حرم مطهر بقیع در دیگر حرم‌ها |
| تولید محصولات آیینی و مذهبی | راهنمای چندزبانه مصور حرم مطهر بقیع (دستنامه) به‌همراه زیارتنامه |
| | بسته تخصصی سخنرانان و مبلغان |
| | محصولات آیینی مرتبط با حرم مطهر بقیع برای استفاده در برنامه‌های مذهبی |

۵.۱.۴. تقویت جریان پژوهشی و علمی درخصوص حرم بقیع

یکی از راهکاری مهم در جهت احیای معنوی حرم بقیع، فعالیت در فضای پژوهشی و علمی به‌منظور ایجاد پشتوانه‌ای قوی برای حل این موضوع است. مطالعات گسترده‌ای که درخصوص تاریخ این مکان و جنبه‌های متنوع مرتبط با آن وجود دارد، مجموعه‌ای توجه‌برانگیز از اطلاعات را شکل می‌دهد و به تشکیل پشتوانه علمی و پژوهشی مذکور کمک

می‌کند. در این مسیر، باید به تعریف طرح‌های پژوهشی در قالب پایان‌نامه‌های دانشگاهی و همین‌طور پژوهش‌های مستقل درخصوص حرم بقیع توجه ویژه کرد. باید التفات داشت که شکل‌گیری جریان پژوهشی درخصوص حرم بقیع، علاوه‌براینکه به‌صورت مستقل مهم است، به تقویت دیگر اقدامات در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز کمک می‌کند و باعث قوت و عمق هرچه بیشتر این اقدامات خواهد شد.

جدول اقدامات اجرایی پژوهشی

| عنوان | اقدام |
|---|---|
| مزیت‌سازی برای پژوهشگران | راه‌اندازی کتابخانه تخصصی حرم مطهر بقیع |
| | راه‌اندازی وبگاه جامع اسناد و داده‌های حرم مطهر بقیع |
| | تأسیس جایزه علمی معتبر برای بقیع پژوهی |
| | ارائه حمایت مالی و معنوی از پژوهش‌های برتر |
| مطرح کردن بقیع در گونه‌های مختلف پژوهشی | سفارش کتاب و مقاله به پژوهشگران معتبر در رشته‌های گوناگون |
| | فراخوان حمایت از پایان‌نامه در رشته‌های مختلف |
| جهانی‌سازی مسئله | ترجمه آثار به زبان‌های اصلی پژوهشی |
| | راه‌اندازی وبگاه‌های بقیع پژوهی به زبان‌های اصلی پژوهشی |
| | برگزاری نشست‌ها و همایش‌های علمی به صورت بین‌المللی |
| | حمایت از پژوهش‌های مرتبط با بقیع در مراکز علمی معتبر دنیا |

زیادی برای ایجاد تنش و التهاب در فعالیت‌های مرتبط با این عرصه وجود دارد. باید توجه کرد که به‌منظور دستیابی به راه‌حلی اثربخش و بادوام در حل مسئله حرم بقیع، باید از هرگونه اقدام تنش‌زا دوری کرد. ایجاد تنش در این مسئله نه تنها کمکی به حل آن نخواهد کرد، بلکه به وخامت و پیچیدگی مسئله نیز می‌افزاید.

۲.۲.۴. اجتناب از فرقه‌گرایی

بقیع از گذشته، محل توجه فرق و گروه‌های متنوع اسلامی بوده است. نمی‌توان حضور و اثرگذاری دیگر گروه‌های مذهبی را در این زمینه نادیده گرفت. علاوه بر این، موقعیت جغرافیایی بقیع در منطقه‌ای با اکثریت اهل سنت و همجواری آن با مسجد النبی ﷺ به‌عنوان یک زیارتگاه اسلامی، باعث می‌شود برای حل مسئله حرم بقیع نتوانیم نگاهی صرفاً شیعی به آن داشته باشیم. از این‌رو هرگونه اقدام برای حل مسئله، باید از رویکردهای منجر به تشدید اختلافات و منازعات فرقه‌ای و مذهبی دوری کند. توجه به این مهم در رویکرد بلندمدت برای حل مسئله بسیار ضروری است.

۶.۱.۴. توجه به ظرفیت اقدامات حقوقی در عرصه جهانی
 عرصه حقوق بین‌الملل نیز به‌عنوان یکی از حوزه‌های درخور توجه، در این زمینه مدنظر قرار دارد. تخریب حرم بقیع توسط وهابیت و حفظ وضعیت تخریب‌شده این مکان از سوی حاکمیت عربستان سعودی، مسئله‌ای است که می‌توان از منظر مسائل حقوقی مربوط به میراث معنوی و حقوق اقلیت‌ها به آن ورود کرد. باید به این نکته توجه شود که اقدامات حقوقی در این زمینه به‌خودی‌خود توان ایجاد تغییری اساسی و جدی در وضعیت فعلی حرم بقیع ندارند؛ اما به‌دلیل داشتن ظرفیت‌های رسانه‌ای و قابلیت مانور تبلیغاتی بر روی چنین اقداماتی، می‌توانند در مسیر دیگر اقدامات اجتماعی و فرهنگی گامی مؤثر به حساب آیند.

۲.۴. مخاطرها و ناپایدها

۱.۲.۴. تنش‌زایی در اقدامات و لزوم پرهیز از آن

باتوجه به ماهیت موضوع و وجود زمینه‌های سیاسی و مذهبی دخیل در شکل‌گیری و دوام مسئله حرم بقیع، ظرفیت بسیار

۳.۲.۴. ترویج نکردن تصویر موجود از حرم بقیع

چنان‌که پیش از این نیز اشاره شد، تصویر ذهنی موجود از حرم بقیع، به تداوم وضع نامطلوب این مکان دامن زده و در برابر وضع فعلی آن، موجب نوعی انفعال شده است. از این‌رو در تمامی اقدامات اجرایی و عملیاتی باید به این نکته توجه کرد که تأکید بر تصویر فعلی و ترویج آن، هرچند واجد ظرفیت‌های احساسی زیادی است، در نهایت به تداوم وضع فعلی می‌انجامد. در این مسیر، انتشار هرگونه تصویر از حرم بقیع، باید مبتنی بر آینده و وضع آرمانی و مطلوب این مکان ترسیم شود.

۴.۲.۴. غیرممکن جلوه‌دادن احیای بقیع

هیچ دلیل عقلی و روایی وجود ندارد که حاکی از غیرممکن بودن احیای حرم مطهر بقیع باشد. شاید حواله‌دادن احیای آن حرم مطهر به زمان ظهور حضرت ولی عصر^{علیه السلام} نوعی شانه‌خالی کردن از وظیفه دینی باشد. برخلاف تصور، برخی شواهد تاریخی و تحلیلی وجود دارد که احیای آن حرم مطهر را کاملاً ممکن نشان می‌دهد. برخی با ارائه تحلیل‌های نادرست، موجب سست شدن اراده کسانی می‌شوند که باید به وظیفه دینی خود عمل کنند و در حد خود مؤثر باشند.

در این راستا توجه به چند نکته ضروری است:

نزدیک به صد سال از تخریب آن حرم مطهر می‌گذرد. اگر طی این مدت فعالیت‌های مستمر و مؤثری در جهت احیا صورت می‌گرفت، آیا اوضاع فعلی حرم مطهر بقیع در ساحت معنوی و کالبدی این‌گونه بود؟

براساس اطلاعات موجود، برخی اقدامات و مذاکرات در جهت احیای حرم مطهر بقیع به نتیجه نزدیک شده بوده است. اگر احیای معنوی حرم در سطح خوبی محقق شده بود، آن اقدامات نتایج بهتری را به ارمغان می‌آورد.

در برخی برهه‌های تاریخی، فرصت‌های پیش‌بینی نشده و محدودی ایجاد می‌شود. اگر از قبل زمینه‌های اقدام فراهم نشده باشد، آن فرصت‌های محدود نیز از بین خواهد رفت. باتوجه به تغییر و تحولات اخیر در عرصه اجتماعی و سیاسی عربستان سعودی مساله توجه به میراث فرهنگی و تاریخی در این کشور اهمیت یافته است که می‌تواند دارای فرصت‌ها و ظرفیت‌های زیادی برای اقدام در راستای حفظ بقیع باشد. شکل‌گیری نسل جدیدی از جوانان عربستانی که تحصیل‌کردگان کشورهای غربی هستند و همین‌طور تدوین سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی از سوی حاکمیت این کشور و تأکید بر موضوع میراث فرهنگی و تاریخی در این سند نشانه‌هایی بر صحت این ادعا هستند.

۵.۲.۴. درگیر ساختن شیعیان عربستان

شیعیان عربستان، در این کشور اقلیتی زیر فشار هستند و در دوره‌های مختلف، فشارها و مشکلات گوناگونی از ناحیه حاکمیت و همین‌طور برخی جریان‌های تندرو در عربستان به آن‌ها تحمیل شده است. باید به این نکته توجه کرد که هر اقدام نسنجیده‌ای در زمینه احیای حرم مطهر بقیع، ممکن است عواقب ناگواری را متوجه این اقلیت مظلوم کند. لذا در تمامی اقدام‌ها و فعالیت‌ها باید به‌نحوی عمل کرد که هیچ‌گونه دردسری برای شیعیان عربستان ایجاد نشود و این گروه آماج اقدامات خصمانه حاکمیت و گروه‌های تندرو نشود.

۵ جمع‌بندی

حل مسئله حرم بقیع در حوزه اجتماعی، نیازمند اتخاذ رویکردی است که در آن، به جوانب مختلف مسئله توجه شود. در عین حال، در این عرصه با چند مفهوم کلیدی مواجهیم که بنابر مطالعات، حل مسئله حرم بقیع، باید مبتنی بر این مفاهیم طرح شود. مفاهیم حافظه تاریخی، هویت جمعی، تصویر ذهنی و سرمایه فرهنگی، عمده محورهای موضوعی را در حل مسئله حرم بقیع شامل می‌شوند. پس از بررسی ساحت‌های موضوع بحث در مسئله حرم بقیع، باید به اقدامات اجرایی متناسب با هر یک از این ساحت‌ها توجه شود. رعایت الزامات موجود در هر یک از این ساحت‌ها، در عرصه عمل، بسیار حیاتی و ضروری است.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که باتوجه به پیچیدگی ابعاد مسئله حرم بقیع در عرصه اجتماعی، راهکارها و اقدام‌های عملی مطلوب در این عرصه نیز به یک گونه از اقدام منحصر نبوده و طیف متنوعی را دربرمی‌گیرد. برخی اقدامات دارای برد و دامنه وسیع و برخی دارای دامنه محدود هستند. همچنین باتوجه به تاریخی بودن مسئله حرم بقیع و گذر نزدیک به یک قرن از نقطه شروع این مسئله، نمی‌توان از لحاظ زمانی انتظار داشت مسئله در بازه کوتاه‌مدت حل شود و این امر نیازمند اقداماتی است که در افق میان‌مدت و بلندمدت به ثمر می‌نشیند.



گروه مطالعات بقیع

